

### متن پرسش

سلام استاد، امروز داشتم به موضوعی فکر می‌کردم. شرح می‌دهم شما فرض کنید در مکانی دکان دارید که احتمال حمله هوایی بخاطر بودن در کنار اماکن نظامی زیاد باشد، در چنین شرایطی، چند موضوع برای بررسی در ذهنم پیش می‌آید، ۱. از اینکه نمی‌ترسم که نمی‌ترسم ولی وظیفه من چیست آیا باید مدتی در موقعیت خطر با احتمال بالا خود را قرار ندهم، که خب نه در صف جهاد هستم و نه در صف اجتماعات که کار جهادی ای هم باشد، ۲. اینکه آیا بحث خواست خدا در مرگ من دو شاخه می‌شود؟ یعنی اگر احتیاط کنم و از آن مکان دور باشم خداوند حکم مرگ مرا از من دور می‌کند؟ و اگر بمانم به فرض بدانم احتمال حمله خیلی زیاد است و توجه نکنم حکم مرگ من قطعی می‌شود؟ آیا انتخاب من هم می‌تواند زمان مرگم را تغییر دهد؟ یا مثلاً من با خود بگویم احتیاط را ول کن هرچه خدا حکم می‌کند می‌شود و در هر موقعیت خطر بی دلیل یا با دلیلی بدون در نظر گرفتن احتیاطی قرار بگیر اگر حکم مرگ تو صادر نشده باشد که نمی‌میری صادر هم شده باشد که جای دیگه می‌میری و، مثلاً انگار که رزمنده ای پناه نگیرد بگوید خدا اگر خواست من بمیرم می‌میرم گر نخواست بمیرم نمی‌میرم، اگر می‌شود کمی استدلالی این بحث را پاسخ دهید، می‌دونم این روزها وقت زیاد ندارید ولی راه تفکر را هم برای ما بگشایید.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مهم، در این شرایط آن است که بحمدالله مقابله با نهایی‌ترین کفر آخرالزمانی پیش آمده. و این قرارگرفتن در موقعیتی است که نه خود را در معرض مرگ قرار دهیم و نه از آن فرار کنیم مانند آن‌که با سپر به قلب دشمن حمله کنیم و از این جهت است که مردم از ترس حمله‌های هوایی از حضور در اجتماعات فرار نمی‌کنند و این یعنی مقابله حضور نرم با دشمن، امری که حتی بانوان ما در این امر، پیشتاز هستند و دشمن را به چیزی نمی‌گیرند، در عین آن‌که رزمندگان مان در آنچه باید انجام دهند، کوتاهی نمی‌کنند. موفق باشید